

بنا به دعوت کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری به قرار ملاقات با سفیرهای جمهوری اسلامی یا تظاهرات در مقابل سفارت‌های جمهوری اسلامی در دفاع از سندیکالیست‌های شرکت واحد، تظاهراتی برگزار شد.

در این تظاهرات که حدود 100 نفر حضور داشتند جمعی از نمایندگان اتحادیه‌های اسلو نیز حضور داشتند که جمعی بالغ بر 20 تا 30 نفر بودند. باقی تظاهرات کنندگان از سازمانها و احزاب سیاسی ایرانی بودند. شایان ذکر است که تعداد اعضا اتحادیه سراسری نروژ بر 800000 نفر بالغ می‌گردد که از این تعداد تنها 20-30 نفر حضور پیدا کردند و از بقیه اعضای این اتحادیه که از برگزار کنندگان بودند، چیزی به چشم نمی‌خورد.

آنچه که جای سوال بود این است که این اتحادیه دارای قدرت و نفوذ سیاسی در دولت کنونی نروژ است، ولی در این زمینه تاکنون هیچ اقدامی نکرده‌اند. علاوه بر این یکی از مهمترین ابزار مبارزه کارگران در انحصار بلامنازع این اتحادیه قرار دارد، ولی از این ابزار برای حمایت از کارگران ایران هیچ استفاده‌ای نشده است. علاوه بر این باید روی این نکته انگشت گذاشت که حتی نمایندگان همه اتحادیه تشکیل دهنده اتحادیه سراسری نیز در این تظاهرات شرکت نکردند. آنچه که جای اطمینان است این است که اعضای یعنی کارگران متشکل در این اتحادیه از برگزاری این تظاهرات کاملاً بی‌اطلاع بودند. اتحادیه‌های کارگری نروژ تنها یک نقش سمبلیک در کمپین‌های حمایتی از کارگران دیگر کشورهای جهان بازی می‌کنند و از ابزارهای موثری از قبیل اعتصاب و کمپین‌هایی نظیر فشار سیاسی روی دولت یا کمپانی‌های سرمایه‌گذار که در ایران دارای منافع اقتصادی هستند، استفاده نمی‌کنند.

شایان ذکر است که تعداد اعضای اتحادیه سراسری نروژ 800000 نفر است و ابزارهایی موثری از قبیل اعتصاب و کمپین‌هایی نظیر فشار سیاسی روی دولت یا کمپانی‌های سرمایه‌گذار که در ایران دارای منافع اقتصادی هستند، در انحصار آنهاست. میزان شرکت کارگران نروژی به نسبت تعداد کارگران متشکل در این اتحادیه‌ها برابر با صفر است. جالب این است که رسانه‌های نروژ کوچکترین واکنشی به این کمپین نشان نداده‌اند و در هیچ‌کدام از رسانه‌های بزرگ و مستقل نروژ این خبر انعکاس نیافته است. باید اضافه کرد که اتحادیه‌های نروژ قادر به راه انداختن تظاهراتها و تجمع‌های بزرگ نیستند و سالهاست که برای جمع کردن مردم در راهپیمایی اول ماه مه دچار مشکل هستند و در مراسم اول ماه مه در نروژ تعداد قلیلی به نسبت اعضای کثیرشان شرکت می‌کنند، و خود دچار بحران‌هایی هستند که باعث از دست دادن اعتماد به این اتحادیه‌ها در بین کارگران نروژ شده است. اتحادیه سراسری در جواب به این معضل مطالبه 6 ساعت کار در روز را مطرح کرده که هنوز کارگران نروژ این مطالبه مطرح شده از سوی آنها را جدی نگرفته‌اند.

جالب اینجاست که فعالین سازمانها و احزاب ایرانی خود به تنهایی همیشه توانسته‌اند که نیروی به مراتب بیشتر در آکسیون‌های خود گرد آورند، ولی باز هم ترجیح دادند و انمود کنند که آنها موفق شده‌اند که کمک‌های حمایتی بین‌المللی را جلب کنند. سوال دیگری که مطرح است این است که چرا فراخوان این آکسیون ساعت 15:00 تعیین شده بود که همزمان با ساعات کار تقریباً همه کارگران و شاغلین است.